

چشمان دوخته به مائوبادی:



۴ دلیل مهم بودن انقلاب نپال

اثر مایک ایلای

چیزی جالب توجه در حال وقوع است. یک نسل کامل مردم خیزش یک جنبش انقلابی رادیکال، غیر دینی، انقلابی که دارای حمایت مردمی ست را هرگز به چشم شان ندیده اند. با این همه، همین الان در نپال امروزی پیش آمده. این جنبش شاه کثافت نپال گیاندر را سرنگون ساخته و سلطنت قرون وسطی مانندش را از میان برده است. یک ارتش انقلابی ایجاد کرده که در حال حاضر با ارتش شاه سابق تسویه حساب میکند. قدرت سیاسی متوازی در مناطق روستایی که در آن یک دهه جنگ چریکی می کردند ایجاد کرده که سنت های فنودال مثل سیستم کاستی را ویران میسازد. از حمایت گسترده نیروهای خلقی برخوردار بوده و به عنوان نیروی عمده در هیئت قانون گذاری (مجلس مؤسسان) پدیدار گشتند. و کلیه این دست آوردها تحت پرچم رادیکال کمونیسم مائونیستی - یعنی دفاع کردن از تلاشی نو برای سوسیالیسم و جامعه بی طبقه در گردها دنیا به دست آمده است.

مردم نپال انقلابیون را مائوبادی می خوانند.

یک چیز قابل توجه سکوتی غریبی ست که پیرامون این انقلاب در رسانهها موجود است. راجع به لحظات سختی که در حال پیش آمدن در نپال هستند، یا راجع به حزب کمونیست نپال (مائونیست) که در مرکزش مستقر است خیلی کم گزارش شده است. در عین حال، شورش هایی که در تبت بر علیه بدرفتاری دولت چین رخ میدهند تحت پوشش خبر رساندن بی انتها ست.

دلایل واضحی برای این سکوت وجود دارد. وقتی که مردم در یکی از فقیرترین کشورها از یک از رادیکال ترین جنبش های دنیا حمایت کنند رسانه های غربی آن را جالب نمی یابد.

اما روشن است که بسیاری از منابع خبری آزادتر دقیقاً نمی دانند که انقلاب نپال را چگونه تفسیر کنند. مخلوط کردن اهداف کمونیستی و شیوه های غیر دکماتیک شان بسیاری از فرضهای چپ را زیر سوال برده است. هنگامی که حزب کمونیست نپال (مانونیست) در سال ۱۹۹۶ شورش مسلحانه آغاز کرد برخی تصور کردند که اینها تاکتیک های کهنه ایست. آنگاه که در سال ۲۰۰۶ حزب کمونیست نپال (مانونیست) نبرد مسلحانه را معلق کرده و وارد دولت متشکل از یک اتحاد موقتی ضد سلطنتی شد، برخی مردم خیال کردند که آنها هویت شان را طی دسیسه و توطئه از دست خواهند داد. آنگاه که مانونیست ها اعمال ضد فنودال شان را به محدود ساختند، برخی فکر کردند که سوسیالیسم از خاطرشان رفته است. اما سکوت حین تردید و بدبینی گرایش غلطی است. ... لازم است که دنیا وقایع نپال را مشاهده کند. ... پیروزی حیرت آور مانونیست ها در ماه آوریل (۲۰۰۸) هنوز هم پیروزی قطعی بر نیروهای محافظه کار نیست. ... مانوبادی ها وسط صحنه سیاسی اند اما هنوز ارتش دولت قدیمی را شکست نداده و تکه، تکه نکرده اند. هنوز آزمون های جدید قدرت در پیش است.

... مانونیست های نپال فقط یک جنبش مخالف (اپوزیسیون) نیستند— آنها به روشهای رادیکال با یک سری مشکلات بسیار متفاوت سر رهبریت یک جامعه با چنگ و دندان میجنگند. ... آنها شدید مانور میروند تا از به دست ارتشهای قدرتمند خرد شدن دوری کنند. در نتیجه مانوبادی های نپال تاکتیک هایی به کار میبرند که رقیبان درونی شان را منفرد ساخته، جذب شان را گسترش داده و دشمنان خارجی شان را خنثی سازند.

همه اینها از نزدیک پیچیده به نظر میرسند. ... این دنیا مسیر دوره ای عاری از فاقد احساسات و رادیکالیسم یا انقلاب را طی کرده است. بیشتر مردم هرگز ندیده اند وقتی یک انقلاب کمونیست خلقی به قدرت میرسد.

بگذارید سکوت را با نوشتن فهرست چهار دلیل که چرا باید نپال را تحت نظر دقیق قرار داشته باشیم بشکنیم:

دلیل اول

اینجا کمونیست هایی هستند که افکار جامد را به دور انداخته اند، نه رادیکال بودن شان را. رهبران حزب کمونیست نپال (مانونیست) میگویند که آنها انقلاب زنده شان را از مرض "اصطلاحات انقلابی که یک زمان عادت داشتیم از بر کنیم" محفوظ نگاه میدارند.

... مانوبادی ها به اجتماع شان نظری جسورانه و مملو از جزئیات مشکلی انداختند. ... آنها شرایط و نیروهایی که فقر سهمگین بر شانه مردم تحمیل میکند را شناسایی کردند. ... آنها شیوه هایی خلاق برای ایجاد پیوندهای عمیق با نارضایتی ها و بالاترین آرزو های مردم پرورش دادند. ... طی پانزده سال اخیر آنان تأثیرات بزرگ و رشد کننده ای به وجود آورده اند.

برای رسیدن به لب نقطه تصرف قدرت، این جنبش اشکال مختلفی از مبارزه را با هم ترکیب و راست و ریست کرده. ... آنها با سازماندهی خوب جنگ مسلحانه را سال ۱۹۹۶ آغاز کرده و سپس در سال ۲۰۰۶ مذاکره کردند. ... حین آن ده سال دولت های جدید در مناطق آزاد شده دوردست ایجاد کردند و بعدش

برای جذب نیروهای جدید شهری تهاجم شان سیاسی شد. ... آنها در انتخابات ویژه ماه آوریل پیروز شده و دشمنان لنگان شان را از طریق تهدید به بسیج کردن توده ها برای عملیات آتی به مبارزه دعوت کرده اند. بدون اینکه نیروهای مسلح شان را از دست داده یا خط مستقل فراخوان خودشان را از دست دهند... مانوبادی ها گفته اند که دلاوری اش را دارند تا "از قله های کشف نشده بالا بروند." ... اصرار دارند که امکان پذیر بودن احتیاجات کمونیستی بایستی دوباره دوره شود. ... معتقدند پاسخگویی به توده مردم میتواند از پدیدار شدن گستاخی افسار ممتاز نوین جلوگیری کند. ... دولت یک حزبی را نپذیرفته و برای رفتن به سوی سوسیالیسم از مسیر انتخابات چند حزبی فراخوان داده اند. ... میپرسند آیا ارتش دائمی به درد نپال نوین خواهد خورد و طرفدار یک سیستم میلشیا های توده مردمی هستند. و می خواهند از تمرکز دادن آرزوهایشان به طرف یکی دو تا رهبر برای تمام عمر اجتناب کرده و به جای آن قدرت را در اختیار نسل جدیدی از جانشین های انقلابی قرار خواهند.

نیپال تایلر کف کشورهای به اصطلاح "جهان چهارمی" اند - اکثر مردم شان از فقر مطلق رنج میبرند. دنیایی ست دور از غرب پیشرفته، و طبعاً راه حل های مانوئیست های نیپال مستقیماً در کشورهای چون آمریکا و انگلیس قابل اجرا نیستند. اما نمیتوانیم از نشاطی که به این دنیای تحت تغییر میبخشد درس بگیریم؟

آیا ادراک جدید آنها از کمونیسم به موفقیت منجر میشود؟ الان پاسخ دادن به آن ممکن نیست. اما بطن تلاش های شان به تنهایی خیلی آموزنده است.

دلیل دوم

تصور کنید که نیپال فتیله روشن کردن آتش هندوستان باشد نیپال آن چنان مرداب دور حاشیه ای ست که تصور آن که سیاست هایش فراتر از مرز های آن ضربه زند بعید است. ... کشوری فقیر، محصور در خشکی، دور افتاده ای ست به اندازه ایالت ارکانزاس آمریکا. جمعیت سی میلیونی اش تحت فشار میان پر جمعیت ترین کشورهای چین و هندوستان قرار دارند. اما تصور کن که انقلاب نیپال برای یک میلیارد مردم هندوستان همسایه چه معنا دارد. چندین دهه است که دود مبارزات مسلحانه مانوئیست ها در ایالات شمالی هند خفه شده - که ریشه اش در میان زارعین زحمتکش واقع در کثافت خانه های هند است. تحلیل گران محافظه کار گاهی از "راهروی سرخ" مناطق چریک های مانوئیست ناکسلایت که از شمال تا جنوب مرکزی هند، یعنی از مرز نیپال به سوی سر جنوب کشور موجود است سخن می گویند.

با درک از احتمالات موجود، مانوبادی های نیپال پیشنهاد جسورانه ای کردند؛ مبتنی بر آن که پس از سرنگون ساختن دولت های شان، جنبش های سرتاسر آسیای جنوبی بایستی ایده ترکیب کردن کشورهای شان و ایجاد فدراسیون مشترک منطقه ای را در افکارشان پیروانند. ... در سال ۲۰۰۱ مانوبادی ها در ایجاد کمیته هماهنگی احزاب و سازمان های مانوئیستی جنوب آسیا همکاری کردند که از سرتاسر منطقه ده تا دسته بندی سازمان های مختلف انقلابی را دور یکدیگر جمع کرد.

دولت انقلابی نیپال در مجاورت دشمن مجاورش یعنی هندوستان متخاصم دوران سختی در پیش دارد؛ امکان دارد که تحت مطالبات، تحریم های فلج کننده و شاید حتی تجاوز نظامی قرار گیرد. اما در عین حال، چنین انقلابی نیز قادر است نقش الهام بخش بازی کرده و نقش پایگاه برای انقلاب در سرتاسر منطقه را ایفا کند. جهان تأثیرش ممکن است جهانی باشد.

دلیل سوم

نیپال نشان میدهد که وجود یک دنیای نوین و خیلی بهتر ممکن است.

مارکس یک بار گفت که انقلاب نقب هایی نوین و بیمانند در زیرزمین حفر کرده و آنگاه با شکفتن هلهله های " خوب حفره ای کنده ای موش کور!" روبرو خواهد شد. به همه مان گفته اند که تغییرات اجتماعی رادیکال غیرممکن است. به شورش های علیه نظم حکم فرمای حاضر دنیا اغلب مهر سیاست های ارتجاعی نما، ترس از بیگانگان، بینش پانین گرا و جهاد خورده. با این حال آن موش کور یک بار دیگر در نیپال بیرون پریده و ارانه دهنده نگاهی سریع به آن که چگونه مردم میتوانند خود و دنیای شان را تغییر دهند می باشد.

یکی از فقیرترین و ستمدیده ترین مردم دنیا در نیپال کوهستانی از طریق مبارزه مسلحانه، قدرت سیاسی و کار اشتراکی شروع به بازسازی همه چیز در اطرف شان کرده اند. کشاورزانی که اغلب بی سواد و تقریباً قحطی زده اند مشغول تشکیل دادگاه های خلقی و مزارع اشتراکی هستند. با زن کتک زدن و عروسی بچه ها مبارزه میکنند. مردان و زنان جوان به ارتش انقلابی پیوسته اند تا ستمکاران شان را شکست دهند. ... حتی میان مردم کاست های مختلف مخالفت علیه ازدواج های ترتیب داده شده و شکفتن "جفت های عشق"، وجود دارد. ... تعصبات دینی و سنت های سلطنتی هندو مردود خوانده شده اند. ۴۰ گروه قومی نیپال مشغول مذاکرات سر روابطی نوین بر مبنای مساوات و تقسیم قدرت سیاسی هستند. همه این مثل رایحه شیرین بهاری ست. می ترسی بدان پشت کنی مبادا این که یک دفعه غیب شود.

دلیل چهارم

وقتی مردم جرأت دارند انقلاب کنند نباید تنها شان بگذاریم. ... اگر حزب کمونیست نپال (مانونیست) جرأت نکرده بود که در سال ۱۹۹۶ جنگ انقلابی را آغاز کند تصورات این چنین ممکن نبود. برنامه سیاسی شان هم وقتی تعداد روز به روز مردم بیشتر جرات یافتند که زندگی شان را در جدال قرار دهند عینیت یافت. خیلی جرأت میخواست که در شجاعت و امیدی که به مردم پیوند خورده مبالغه کنیم.

... آخزش ممکن است چرخ حوادث علیه آن امیدها بگردد. ... انقلاب در نپال ممکن است از درون بدان خیانت شود یا شکست بخورد. این خطرات در انقلاب های جان دار ذاتی و اجتناب ناپذیرند. اگر در روند انقلابی مانوبادی ها جهش های تازه کنند محتملاً با حملات پیگیر هندوستان با حمایت آمریکا روبرو شوند. ... خیلی وقت است دولت آمریکا (اشتباهاً!) به حزب کمونیست نپال (مانونیست) برچسب "تروریست ها" زده. ... بعضی سازمان های حقوق بشر آنها را قلدراهای روستایی و استثمارگر کودکان سرباز خوانده. ارتش سلطنت طلب ملی نپال را قدرتهای غربی با اسلحه های مدرن مسلح کردند. ناحیه حاصلخیز نپال تریبی تحت حمایت هندوستان و هندو های ارتجاعی ست

یکی باید افشا کنه چی میگذره. تو خود آمریکا اعتراض نکردن حین بی ثبات کردن و فرو نشانی (انقلاب) به پشتیبانی آمریکا امری غیر قابل تحمل است.

مطلب همین است: انقلاب در نپال که خیلی راجع بدان نمیدانند. چه کسی به آنها راجع بهش میگوید؟ از آن چی یاد میگیریم؟ راجع بهش چه بکنیم؟

نویسنده مایک ایلای از اعضای پروژه *کاساما*، نقش دارد که آن را در www.kasamaproject.com میتوان یافت و وی در ایجاد <http://southasiarev.wordpress.com> نقش داشته و ای میلش m1keely@yahoo.com است.